

جایگاه قرآن و حدیث در شعر فارسی سده سوم و چهارم هجری

باقر قربانی زرین*

چکیده: شعر فارسی، از سده سوم و چهارم هجری آغاز شد. و از همان آغاز، مضامین آیات و روایات، دست مایه اصلی برای قوت و غنای فرهنگ و ادب پارسی شد. نویسنده در این مقاله، شیوه‌های استفاده شاعران پارسی‌گوی ایرانی از آیات قرآن و روایات شیعی را، در چهار عنوان بررسی می‌کند:

استفاده از مفاهیم و مضامین، اقتباس از آیات و روایات، اشاره به داستانهای قرآنی، اشاره به برخی از وقایع تاریخ صدر اسلام

کلیدواژه‌ها: شعر فارسی، قرن ۳ و ۴ / قرآن / حدیث شیعی

اول دفتر به نام ایزد دانا

مقدمه

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ

هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

در سده سوم هجری، سکوت شعر و ادب فارسی شکسته شد و نخستین شاعران

فارسی زبان، به مناسبت‌های گوناگون، سروده‌هایی به فارسی به یادگار گذاردند^(۱).

در سده چهارم، کار نویسندگان و شاعران با پشتیبانی دربار ادب دوست سامانی،

* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

۱ - برای تفصیل پیرامون قدیمی‌ترین شعر فارسی ر.ک: تحقیقات ادبی، ص ۱۵۰ - ۱۶۴.

بسامان گشت و زبان فارسی گوهر از دست داده خود را پیدا و جلوه هایی از *Archive of SID* سروده های شاعران، هویدا ساخت .

از دیگر سو سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری، دوران کمال تاریخ و تمدن اسلامی به شمار است؛ دانشمندان بزرگی در شعبه های مختلف دانشهای عقلی و نقلی آشکار گشتند و این دوران را به دورانی طلایی در تاریخ بشریت تبدیل کردند. فرهنگ اسلامی نیز در همه جا گسترش یافت^(۱). مدارس و پایگاههای علمی براساس ادبیات عربی و مبانی دینی پایه گذاری شد و شاعران و نویسندگان در این مدارس تربیت شدند و خواه ناخواه از مبانی دینی متأثر بودند. چراکه گفتار هر گوینده، اعم از نظم و نثر، ظهور و جلوه مراتب تربیت و تفکر اوست.^(۲) شعر فارسی نیز در این دوران با ظهور شاعران بزرگی چونان دقیقی طوسی، رودکی سمرقندی، کسایی مروزی و بالاخره حکیم ابوالقاسم فردوسی به پختگی و کمال رسیده بود، و این بزرگان، گفتار خود را به مضامین و الفاظ آیات و روایات آرایش می دادند. به تعبیر زنده یاد استاد دکتر زرین کوب: «عبث نیست که شعرای فارسی زبان از همان آغاز پیدایش شعر فارسی تحت تأثیر آن بوده اند، نه فقط از معانی و قصص آن اخذ کرده اند بلکه استعارات و مجازات آن را هم به کار برده اند و حتی گاه بعضی اجزاء آیات را به شکل حلّ با تضمین یا ترجمه در تلو اشعار خویش آورده اند. یک مطالعه اجمالی در دواوین شعرا شواهد کافی برای این دعوی عرضه می کند.»^(۳)

جایگاه قرآن و حدیث در شعر فارسی سده سوم و چهارم هجری



در این مقال بر آنیم که جایگاه قرآن و حدیث را در اشعار فارسی سده های سوم و چهارم هجری به نحو اجمال بررسی و به ذکر نمونه هایی چند بسنده کنیم.^(۴)

۱- برای تفصیل این مطلب ر. ک: الحضارة الإسلامية فی القرن الرابع الهجری، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۶۸ و ۴۲۱-۴۹۱؛ تاریخ ادبیات در ایران ج ۱، ص ۲۵۹-۲۷۹.

۲- احادیث مثنوی، مقدمه استاد فروزانفر، صفحه د، ه.

۳- شعر بی دروغ شعر بی نقاب، ص ۷۰.

۴- البته بررسی تأثیر مضامین قرآن و حدیث در شاهنامه حکیم فردوسی، که بس فراوان است، فرصتی دیگری می طلبد؛ زیرا به تعبیر استاد فروزانفر (سخن و سخنوران، ص ۴۷-۴۸): «اسلوب و روش نظمی شاهنامه از

الف) استفاده از مفاهیم و مضامین

بسیاری از شاعران در این دوران از مضامین و مفاهیم اسلامی استفاده می‌کردند. و آن مضامین راباواژگانی فارسی در شعر خود می‌گنجاندند. در این بخش به این تلمیحات و اشارات می‌پردازیم (و در بخش دوم مواردی را که الفاظ آیات و روایات به کار گرفته شده نشان داده‌ایم). در این بخش با صنعت ادبی «تلمیح» بیشتر سرو کار داریم.

تلمیح عبارت از آن است که گوینده در ضمن کلام به آیه یا حدیث یا داستان یا مثلی معروف اشارتی لطیف کند و عین آنها رانیآورده باشد.^(۱)

واینک نمونه‌هایی از اشعار سده سوم و چهارم:

۱ - محمد بن وُصیف: ^(۲)

هرچه بکردیم بخواهیم دید سود ندارد ز قضا احتراس ^(۳)

مصراع نخست تلمیحی است به آیاتی همچون: و مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ. (بقره، ۱۱۰) = آنچه راز کار نیک برای خود، پیش بفرستید نزد خداوند خواهید یافت؛ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا. (آل عمران، ۳۰) روزی که هر کس کار نیک خود را پیش روی خود حاضر بیند.

مصراع دوم ترجمه گونه‌ای است از این حدیث: اِذَا كَانَ الْقَدْرُ لَا يُرَدُّ فَالْاِحْتِرَاسُ بَاطِلٌ. ^(۴) = آنگاه که قدر رد نشود، احتراس (= مراقبت) کار ساز نگردد.



اسلوب قرآن گرفته شده... و فردوسی از اخبار و احادیث اسلامی مطلع بوده و جای جای ترجمه آنها در شاهنامه دیده می‌شود. از این رو امیدوارم در فرصتی دیگر بدین مهم پردازم.

۱ - هنجارگفتار، ص ۲۵۹؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، ج ۲، ص ۳۲۸ و ۳۸۶.

۲ - دبیر رسایل یعقوب لیث بود و یعقوب را مدح کرد.

۳ - اشعار پراکنده قدیم‌ترین شعرای فارسی زبان، ج ۲، ص ۱۵.

۴ - شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۱۳۹.

شنیده‌ام که بهشت آن کسی تواند یافت که آرزو برساند به آرزومندی (۲)
 تلمیحی است به حدیث نبوی (ص): مَنْ قَضَى لِمَوْ مِنْ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ كَثِيرَةً
 أَدْنَا هُنَّ الْجَنَّةُ (۳) = هرکس نیاز مؤمنی را برآورد خداوند، نیازهای فراوانش را برآورده
 سازد که کمترین آنها، بهشت است.

۳- کمال الدین ابوالفتح بُنْدَارِ رَازِي: (۴)

از مرگ حذر کردن دو روز روا نیست

روزی که قضا باشد و روزی که قضا نیست

روزی که قضا باشد کوشش ندهد سود

روزی که قضا نیست در او مرگ روا نیست (۵)

تلمیحی است به این سخن حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَفَى بِالْأَجْلِ حَارِسًا. (۶) = اجل برای
 نگاهبانی آدمی کافی است. این دو بیت نیز از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ منقول است. (۷)

أَيُّ يَوْمٍ مِنَ الْمَوْتِ أَفْر
 يَوْمٌ لَا يُقَدَّرُ لَا أَرْهَبُهُ
 يَوْمٌ لَا يُقَدَّرُ أَوْ يَوْمٌ قُدِرَ
 وَمِنَ الْمَقْدُورِ لَا يَنْجِي الْحَذَرُ

یعنی: کدامین روز از مرگ بگیریم؟ روزی که مقدر نگشته یا روزی که مقدر گشته؟
 روزی که مرگم مقدر نباشد از آن نمی‌هراسم. و روزی که مرگم مقدر شده باشد ترس
 و گریز سودمند نخواهد بود.

۴- بُنْدَارِ رَازِي :

گَر بَه دَل حَبِّ آلِ حَيْدَرْتَه
 سَاقِي آبِ حَوْضِ كَوْثَرْتَه
 وَر بَه دَل بَغْضِ آلِ حَيْدَرْتَه
 چَه كَنَم مَن گَنَاه مَادَرْتَه



۱- از شاعران دربار امیر نصر سامانی، در گذشته ۳۲۰ یا ۳۲۵ ق.

۲- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۳۵.

۳- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۵.

۴- از شاعران قرن چهارم هجری و شاعر صاحب بن عباد.

۵- شاعران هم عصر رودکی، ص ۲۶۷.

۶- العقد الفرید، ج ۱، ص ۱۰۱.

۷- نهج البلاغه، ص ۶۶۸، حکمت ۲۹۷.

تاج ولایت علی بر سمری هر روز ز روز پیشتر خوشترمی *Archive of SID*

شکرانه این که میر دین حیدرمی از فضل خدا و منت مادرمی (۱)

روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام نقل شده که: دوستی اهل بیت نشانه طیب ولادت

و دشمنی اهل بیت، نشانه خُبث ولادت است. (۲)

۵- رودکی سمرقندی: (۳)

شادزی باسیاه چشمان شاد که جهان نیست جز فسانه و باد (۴)

همین مضمون در شعر ابوطیب مُصعبی (۵) آمده است:

جهانا همانا فسوسی و بازی که برکس نیایی و باکس نسازی (۶)

تلمیحی است به آیه: و ما الحیة الدنیا إلا لعبٌ و هو (انعام، ۳۲) = دنیا جز بازیچه و

هوسرانی، هیچ نیست. این بیت نیز منسوب به حضرت علی علیه السلام است:

إِنَّمَا الدنیا کَظْلٌ زَائِلٌ أَوْ كَضِيفٍ بَاتَ لَيْلاً فَآزَحَلُ (۷)

دنیا به سان سایه‌ای است زوال‌پذیر؛ یا همچو میهمانی است که شبانگاه در جایی

مانده و سپس کوچیده است.

۶- رودکی:

زمانه گفت مرا خشم خویش دار نگاهرا زبان نه به بند است پای در بند است (۸)

تلمیح است به حدیث: نَجَاةُ المومِنِ مِینَ حِفْظِ لِسَانِهِ. (۹) = نجات انسان با ایمان به واسطه

حفظ زبان اوست.

۷- رودکی:

کفیه
شماره ۲



۱- شاعران هم عصر رودکی، ص ۲۶۹-۲۶۸

۲- بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۵-۱۵۶، باب ۵. در این باب ۳۱ روایت نقل شده است.

۳- پدر شعر فارسی، درگذشته ۳۲۹ ق. ۴- رودکی، آثار منظوم، ص ۳۸.

۵- از فضلا و شعرای عصر سامانی، و وزیر امیر نصر بن احمد سامانی.

۶- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۴۸.

۷- دیوان الامام علی بن ابی طالب (ع)، ص ۹۰. ۸- رودکی، آثار منظوم، ص ۲۴.

۹- سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۱۰.

این جهان پاک خواب کردار است آن شناسد که دلش بیدار است (Archive of SID)
 به تعبیر استاد فروزانفر: بی گمان ترجمه گونه‌ای است از این حدیث: *الدنيا حُلْمٌ* (۲) =
 دنیا خواب و رؤیا است.

۸- رودکی:

به سرای سپنج مهمان را دل نهدان همیشگی نه رواست
 زیر خاک اندرون ت باید خفت گرچه اکنون خواب بر دیباست
 باکسان بودند چه سود کند که به گور اندرون شدن تنهاست (۳)
 تلمیح است به حدیث: *ایها الناس! إنَّ من فی الدنیا ضیفٌ، و مافی أیدیهم عاریةٌ، وإنَّ الضیفَ مرتحلٌ والعاریةُ مردودةٌ* (۴) = ای مردم! آدمیان در دنیا میهمانند، و آنچه دارند امانت است؛ میهمان رفتنی است و امانت، ستندی.

۹- رودکی:

به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری ساکسا که به روز تو آرزومند است (۵)
 تلمیح است به آیه: *ولا تمدن عینیک إلى ما متعنا به أزواجاً منهم زهرة الحياة الدنيا لئن فهم فیہ*
 (طه، ۱۳۱) = هرگز به چیزی که به گروهی در جلوه حیات دنیای فانی داده‌ایم چشم مدوز،
 که این برای آزمودن ایشان است.

شیخ ابوالفتح رازی در تفسیر این آیه، این حدیث نبوی (ص) رانیز آورده است:
لا تنظروا إلى من هو فوقکم وانظروا إلى من هو أسفل منکم فإنه أجدر أن لاتزدروا نعمة الله علیکم
 = بدان کس منگرید که در نعمت، فرادست شماست، به کسی بنگرید که از شما
 فروتر است، که این برای کوچک نشمردن نعمت پروردگار بر شما سزاوارتر است،
 سپس، ابوالفتح این چند بیت را از شاعری پارسی نقل می‌کند:

زمانه پندی آزاد وار داد مرا زمانه را چونکوبنگری همه پند است

۱ - رودکی، آثار منظوم، ص ۱۸.

۲ - احادیث مثنوی، مقدمه استاد فروزانفر، صفحه د و ص ۸۱

۳ - رودکی، آثار منظوم، ص ۲۲.

۴ - رودکی، آثار منظوم، ص ۲۴.

۵ - بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۸۷.

زبان ببند مرا گفت و چشم دل بگشای که را زبان نه به بند است پای در بند است (۱)
 بدان کسی که فزون از تو آرزو چه کنی بدان نگر که به حال تو آرزومند است (۱)
 ۱۰- رودکی:

اندر بلای سخت پدید آرند فضل و بزرگ مردی و سالاری (۲)
 اشارتی است ترجمه گونه به این سخن مولا علی عليه السلام: **فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمُ جَوَاهِرِ الرِّجَالِ** (۳) = در دگرگونی احوال، جوهر آدمیان پدیدار می‌گردد.
 ۱۱- ابو شکور بلخی: (۴)

از دور به دیدار تو اندر نگرستم
 مجروح شد آن چهره پر حُسن و ملاحث
 وز غمزه تو خسته شد آزرده دل من
 وین حکم قضائی ست جراحت به جراحت (۵)
 آخرین مصراع تلمیح است به آیه: **وَالْمَجْرُوحُ قَصَاصٌ** (مانده، ۴۵) = هر جراحتی را
 قصاصی است.

۱۲- از ابیات منسوب به آفرین نامه ابوشکور بلخی:
 گشاده شود کار چون سخت بست کدامین بلند است نابوده پست
 از اندوه شادی دهد آسمان فراخی ز تنگی بود بی گمان (۶)
 تلمیح است به مضمون چندین آیه و روایت از جمله: **سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا** (طلاق، ۷) =
 خداوند بزودی پس از هر سختی، آسانی قرار دهد؛ **فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا** (شرح، ۵) = پس
 برآستی که با هر سختی، آسانی است؛ و این سخن مولا علی عليه السلام: **عِنْدَ تَنَاهِي الشَّدَةِ تَكُونُ
 الْفَرَجَةُ**، **وَعِنْدَ تَضَائِقِ حَلْقِ الْبَلَاءِ يَكُونُ الرَّجَاءُ** (۷) = آنگاه که سختی به نهایت رسد،
 گشایش حاصل آید، و آنگاه که حلقه‌های بلاتنگ شوند، آسایش رسد.



۱- تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۷، ص ۵۰۱-۵۰۲.
 ۲- رودکی، آثار منظوم، ص ۱۱۰.
 ۳- نهج البلاغه، ص ۶۴۶، حکمت ۲۰۷.
 ۴- از شاعران عصر سامانی، نیمه اول قرن چهارم هجری.
 ۵- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۷۸.
 ۶- همان، ص ۱۱۱.
 ۷- نهج البلاغه، ص ۶۷۵، حکمت ۳۴۱.

سخن کر دهان ناهمایون جهد چو ماری است کز خانه بیرون جهد
نگهدار از او خویشان چون سزد که نزدیک تر را سبک تر گزد^(۱)
تلمیح است به سخن حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللسانُ سَبْعٌ، إِنَّ خُلِيَّ عَنْهُ عَقَرَ^(۲) = زبان
درنده‌ای است که گر رها شود بگزد.

۱۴- ابوشکور بلخی:

نگهبان گنجی تو از دشمنان ودانش نگهبان تو جاودان^(۳)
ترجمه گونه‌ای است از این سخن مولا علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: العِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ؛ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ
أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ^(۴) = دانش بهتر از دارایی است؛ دانش نگاهبان توست و حال آنکه تو
دارایی را نگاهبانی.

۱۵- ابوشکور بلخی:

سخن تانگویی تو را زیر دست زبر دست شد کز دهان تو جست^(۵)
تلمیحی است به این سخن حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْكَلَامُ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَاذَا
تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ^(۶) = سخن راتا نگفته‌ای در بند توست، لیک چو سخن گویی،
تو در بند آن خواهی بود.

۱۶- ابوشکور بلخی:

ز نیکی همه نیکی آید به جای به نیکی دهد نیز نیکی خدای^(۷)
تلمیحی است به آیه: هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؟ (رحمان، ۶۰) = آیا پاداش نکویی
جز نکویی است؟



- ۱- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۱۳. ۳۹- نهج البلاغه، ص ۶۱۳، حکمت ۵۵. ۴۰- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۱۷.
- ۲- نهج البلاغه، ص ۶۱۳، حکمت ۵۵.
- ۳- ۴۰- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۱۷.
- ۴- نهج البلاغه، ص ۶۳۳، بخشی از حکمت ۱۳۹.
- ۵- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۱۷.
- ۶- نهج البلاغه، ص ۶۸۵، حکمت ۳۷۱.
- ۷- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۲۶.

جهان آب شور است چون بنگری فزون تشنه‌ای گرچه بیش خوری^(۱)
ترجمه گونه‌ای است از این حدیث امام صادق علیه السلام: **مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كَلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَزْ دَادَ عَطْشَاتِي يَقْتَلُهُ**.^(۲) = مثل دنیا مثل آب دریاست. انسان تشنه هر چه بیشتر از آن نوشد تشنه تر گردد تا اینکه او را از بین برد.
۱۸ - حکیم ابوبکر محمد بن علی خسروی سرخسی:^(۳)

آفریننده را نیابد و هم گر به و هم اندر آوریش خطاست
نیست مانند او مپرس که چیست نامکان‌گیر را مگو که کجاست^(۴)
تلمیحی است به این سخنان حضرت علی علیه السلام: **لَا يُدْرِكُهُ بَعْدُ اِهْمَمٌ وَلَا يَنَالُهُ غَوْصٌ**
الْفِطْنِ^(۵).... و لایحویه مکان^(۶) = اندیشه‌های بلند و ژرف به کنه ذات خداوندی پی
نبرد و زیرکی غواصان دریای دانش به ساختش دست نیابد... و هیچ مکانی او را در بر
نگیرد.

۱۹ - حکیم میسری:^(۷)

نکو گفست نوشروان بخوانش که مردم را بود ارزش به دانش
علی نیز این به تازی باز راند که مردم را بها چندان که داند^(۸)
شهید بلخی نیز بیتی با این مضمون دارد:
دانشا چون دریغم آیی از آنک بی بهایی ولیکن از تو بهاست^(۹)



-
- ۱ - همان، ص ۱۲۷ ۲ - سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۶۵.
۳ - از شاعران دربار امیر شمس المعالی، نیمه دوم قرن چهارم هجری.
۴ - شاعران هم عصر رودکی، ص ۲۲۷.
۵ - نهج البلاغه، ص ۲۴، خطبه ۱.
۶ - همان، ص ۳۱۵، خطبه ۱۷۸.
۷ - پروفیسور ژیلبرلازار در کتاب اشعار پراکنده، ج ۲، از ص ۱۷۸ تا ص ۱۹۴، بخشی از مثنوی «دانش نامه» حکیم میسری رانقل کرده است و در مقدمه کتاب، ص ۶ تاریخ سرودن آن را در سالهای ۳۶۷-۳۷۰ هجری قمری دانسته است.
۸ - اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۸۳.
۹ - همان، ص ۲۴.

این بیتها ترجمه سخن امیرالمؤمنین علیه السلام است: قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُ^(۱). = *Archive of SID*

هرکس به دانش اوست و نیز تلمیحی است به این حدیث: أَكْثَرُ النَّاسِ قِيمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقَلُّ النَّاسِ قِيمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا.^(۲) ارزشمندترین مردم، داناترین آنان است و کم ارزش ترین ایشان، نادان ترینشان.

۲۰- کسایبی مروزی: (۳)

گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشت‌تردم کریم‌تر شود اندر نعیم گل ای گل فروش، گل چه فروشی برای و نیگول عزیزتر چه ستانی به سیم گل^(۴) مصراع نخست آن تلمیحی است به حدیث: إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ بَرِيحَانٍ فَلْيُشِمَّهُ وَلْيَضَعْهُ عَلَى عَيْنَيْهِ فَإِنَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ^(۵) = آنگاه که یکی از شما گلی به دست آورد آن را بوید و بر روی دو چشمش گذارد که گل از بهشت است.

۲۱- کسایبی مروزی:

فهم کن گر مؤمنی فضل امیرالمؤمنین

فضل حیدر شیریزدان مرتضای پاک دین

از متابع گشتن او حوریابی با بهشت

وز مخالف گشتن او ویل یابی و انین

بی تو لا بر علی وآل او دوزخ تو راست

خواروبی تسلیمی از تسنیم و ازخلد برین^(۶)

تلمیح است به مضمون احادیث بسیاری از جمله: أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ

الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُعْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْمِ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ^(۷) = هان! هر که علی

رادوست بدارد درهای هشتگانه بهشت بر او گشوده گردد، هر که بر دشمنی اهل بیت

بمیرد، بوی بهشت به مشامش نرسد.



۱- شرح غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۰۲.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۱۹.

۳- از شاعران بزرگ نخستین دوره شعر فارسی و از معاصران حکیم فردوسی و شیعه مذهب است.

۴- کسایبی مروزی، زندگی، اندیشه و شعرا، ص ۹۰-۹۱.

۵- سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۴۱.

۶- کسایبی مروزی، ص ۹۳، ۹۵.

۷- بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۲۳.

هرچه کردی نیک و بد فردا به پیشت آورند

بی شک ای مسکین اگر در دل نداری آوری^(۱)

تلمیح است به آیه: یوم تجدُّ کُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا. (آل عمران، ۳۰) = روزی که هرکسی کارهای نیک خود را پیش روی خود حاضر بیند و آرزو کند که میان او و کارهای بدش مسافتی دور جدایی باشد.
۲۳- کسایى مروزی:

گرنجات خویش خواهی در سفینه نوح شو

چند باشی چون رهی تو بینوا ای دل رهین

دامن اولاد حیدرگیر و از طوفان مترس

گرد کشتی گیر و بنشان این فزع اندر پسین^(۲)

اشارتی است لطیف به حدیث صحیح و بس مشهور «سفینه»: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفِينَةُ نُوحٍ فِي لُجَّةِ الْبَحْرِ مَنْ رَكِبَهَا نَجِيَ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ»^(۳)
= مثل اهل بیت من در میان این امت (مثل) کشتی نوح است در دل دریا؛ هر که سوار کشتی شود نجات یابد و گرنه غرق گردد.

(ب) اقتباس از آیات و روایات:

اقتباس در لغت به معنی «گرفتن پاره آتش» یا «نور و فروغ گرفتن» است و در اصطلاح بلاغی آن است که شاعر یا نویسنده بخشی از آیه یا حدیث یا سخن معروفی را در گفتارش بیاورد^(۴). در این بخش آن دسته از اشعاری را که بخشی از کلمات آیات و روایات در آنها درج شده است می آوریم:

۱- کسای مروزی، ص ۱۱۴ ۲- همان، ص ۹۴

۳- برای مآخذ گوناگون حدیث سفینه ر.ک: سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۳۰.

۴- ر.ک: هنجار گفتار، ص ۳۲۴؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، ج ۲، ص ۳۸۳-۳۸۵.

لمن الملك بخواندی تو امیرا به یقین یا قلیل الفئته کت داد ور آن لشکر کام^(۱)
 مصراع نخست برگرفته از آیه: *لَمِنَ الْمَلِكِ الْيَوْمَ* (غافر، ۱۶) است. = امروز (قیامت)
 پادشاهی با کیست؟ و مصراع دوم برگرفته از آیه: *كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً* باذن الله.
 (بقره، ۲۴۹) = چه بسا که گروهی اندک به اذن پروردگار برگروهی بسیار، چیره گشته است.

۲ - محمد بن وصیف:

قول خداوند بخوان فاستقم معتقدی شو و بر آن بر بایست^(۲)
 برگرفته از آیه: *فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ* (هود، ۱۱۲) است = آن گونه که مأموری، استقامت و
 پایداری کن.

۳ - ابواسحاق بخاری جویباری:^(۳)

ابابیل وار چند مردان مرد که جویند مرگنج را زیر جرد^(۴)
 این واژه در آیه: *وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ* (فیل، ۳) آمده است = مرغان ابابیل را بر آن
 سپاه فرستاد.

۴ - ابو عبدالله جنیدی:^(۵)

بتی که سجده برد پیش روی اوبت چین خیال اوبود اندر بهشت، حورالعین^(۶)
 ۵ - کسایی مروزی:

کوهسار خشینه را به بهار که فرستد لباس حورالعین^(۷)
 واژه «حورعین» در چندین آیه قرآن کریم آمده است از جمله در سوره دخان، آیه ۵۴.
 ۶ - منجیک ترمذی:^(۸)

همه صفات خداوند بر تو زیباست برون از این دو صفت لم یلد ولم یولد^(۹)

۱ - اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۳ - ۲ - همان، ص ۱۴
 ۴ - شاعران هم عصر رودکی، ص ۴۱
 ۶ - شاعران هم عصر رودکی، ص ۱۳۰.
 ۸ - از شاعران بزرگ نیمه قرن چهارم هجری.
 ۹ - شاعران هم عصر رودکی، ص ۱۹۸.
 ۲ - از فضلا و شعرای دوره سامانیان.
 ۵ - از شاعران عصر سامانی.
 ۷ - کسایی مروزی، ص ۱۱۱.

۷- منجیک ترمذی:

تبارک الله از آن چهره بدیع و لطیف همه سراسر فهرست فتنه را تمثال (۱)
«فتبارک الله» بخشی از آیه ۶۴ سوره غافر است.

۸- کسایی مروزی:

ای نواصب گزندانی فضل سرّ ذوالجلال

آیت «قربی» نگه کن و آن «اصحاب الیمین» (۲)

اقتباس است از آیات: وَاَتِ ذَا الْقُرْبٰی حَقَّه (اسراء، ۲۶) = حق خویشانان را ادا کن: وَأَصْحَابُ

الْیَمِیْنِ مَا أَصْحَابُ الْیَمِیْنِ (واقع، ۲۷). = اصحاب یمین (راستان و نیکان) کجایند و چگونه اند؟

۹- کسایی مروزی:

«قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ» برخوان، ورنندانی گوش دار

لعنت یزدان بین از «نَبْتِهْلُ» تا «کاذبین» (۳)

در این بیت بخشی از آیه مباحله، اقتباس شده است: فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ

مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ انْفُسَنَا وَ انْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ

فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ. (آل عمران، ۶۱) = پس هر آن کس که باتو (در باره عیسی

مسیح) مجادله کند، پس از آنکه تو از واقعه او آگاهی یافتی، پس بگو: بیاید ما و شما

بافزندان و زنان خود به مباحله برخیزیم، سپس نفرین الهی را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.

۱۰- کسایی مروزی:

« لا فتی إلا علی » بر خوان و تفسیرش بدان

یا که گفت و یا که داند گفت جز « روح الامین »؟ (۴)

روایت «لاسیف إلا ذوالفقار و لافقی إلا علی» در منابع شیعه و اهل سنت آمده است. (۵) =

شمشیری جز ذوالفقار و جوانمردی جز علی علیه السلام نیست.



۱- همان، ص ۲۰۵. ۲- کسایی مروزی... ص ۹۳. ۳- همانجا

۴- همان، ص ۹۴. ۵- ر.ک: سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۴۵.

۱۱ - دقیقی طوسی: (۱)

چو روی یار من شد دهر گویی همی عارض بشوید بآب کوثر (۲)
«کوثر» واژه‌ای قرآنی است (کوثر، ۱)

ج) اشاره به داستانهای قرآنی:

داستانهای قرآنی، انعکاس وسیع در ادبیات فارسی یافته و به تعبیر استاد زرین کوب، تلمیحات و تعبیرات رایجی پدید آورده که نمونه‌ای از تأثیر قرآن در شعر فارسی است. (۳)
در این بخش به ذکر نمونه‌هایی از شاعران سده‌های سوم و چهارم بسنده می‌کنیم:

۱ - شهید بلخی:

چو سدّ یاجوج بایدی دل من که باشدی غمزگانش را سپرا (۴)
داستان سدّ یاجوج که به دست ذوالقرنین ساخته شد در سوره کهف، آیه ۹۴ آمده است .

شهید بلخی:

به منجنیق عذاب اندرم چو ابراهیم به آتش حسراتم فکند خواهندی (۵)
داستان به آتش افکندن حضرت ابراهیم علیه السلام در سوره انبیاء، آیه‌های ۶۸ - ۶۹ آمده است.

ابو شکور بلخی:

اگر قارون شوی زالفختن مال شوی در زیر پای خاک پامال^۷

۱ - ابو منصور محمد بن احمد دقیقی، از شاعران دوره سامانی است.

۲ - دیوان دقیقی طوسی، بیست ۱۱۳۳.

۳ - این تلمیحات و تعبیرات از: تخت سلیمان، کشتی نوح، آتش ابراهیم، لحن داوود، صبر ایوب، پیراهن یوسف، دارالاحزان یعقوب، عصای موسی، دم عیس و جز آنها، (ر.ک: شعر بی دوزخ شعری بی نقاب، ص ۲۴۹

۴ - اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۲۳. ۵ - همان، ص ۳۵. ۷ - همان، ص ۸۸.

طیان مرغزی: (۱)

به جان من بر ستخیز کرد لشکر عشق چنان که لشکر طالوت کرد بر جالوت (۲)

داستان طالوت و جالوت در سوره بقره، آیات ۲۴۷-۲۵۱ آمده است.

دقیقی طوسی:

به چهره یوسف دیگر و لیکن به هجرانش منم یعقوب دیگر (۳)

داستان یوسف و یعقوب در سوره یوسف (۱۲) به تفصیل آمده است.

و رودکی سمرقندی چه نیکو سروده و داستان یوسف عَلَيْهِ السَّلَام رابه نظم کشیده است:

نگارینا شنیدستم که گاه محنت و راحت

سه پیراهن سَلَب بوده است یوسف را به عمر اندر

یکی از کید شد پر خون دوم شد چاک از تهمت

سوم یعقوب را از بوش روشن گشت چشم تر

رخم ماند بدان اول، دلم ماند بدان ثانی

نصیب من شود در وصل آن پیراهن دیگر (۴)

د) اشاره به برخی از وقایع تاریخ صدر اسلام:

کسایی مروزی نخستین شاعری است که سوگند نامه‌ای بلند برای شهیدان کربلا

سروده است، ابیات این سوگندنامه به ۵۰ بیت می‌رسد. (۵)

از دقیقی طوسی نیز ابیاتی پراکنده باقی مانده که در ذیل، بدانها اشاره می‌شود:

چنان کز چشم او ترسم نترسید جهود خیبری از تیغ حیدر

چنان کان چشم او کردست با من نکرد آن نامور حیدر به خیبر



۱- از شاعران دوره سامانی. ۲- شاعران عصر رودکی، ص ۶۴.

۳- دیوان دقیقی طوسی، بیت ۱۱۱۰. ۴- رودکی، آثار منظوم، ص ۵۶.

۵- کسایی مروزی، ص ۷۶-۶۹.

چنان برمن کند آن جور و بیدار نکرده اند آل بوسفیان به شبیر *Archive of SID*

چنان چون من براو گریم نگرید ابر شیبیر زهرا روز محشر^(۱)

در این ابیات به واقعه فتح قلعه خیبر به دست حضرت علی علیه السلام و نیز بر مظلومی که پس از رحلت رسول خدا (ص) بر اهل بیت (علیهم السلام) روا شد، اشارت رفته است. همان گونه که در آغاز مقاله گفته آمد، غرض، یاد کرد تمامی مواردی نیست که از قرآن و حدیث متأثر گشته، بلکه این نکته در مد نظر بوده است که شعر و ادب پارسی، از سده های نخست با مضامین آیات و روایات عجین بوده است، تا بدانجا که تأثیر فرهنگ اسلامی را بر ادبیات فارسی انکار نتوان کرد. و این قولی است که جملگی بر آنند. والسلام.

منابع :

- قران کریم .
- احادیث مثنوی، بدیع الزمان فروزانفر، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۶.
- اشعار پراکنده قدیمترین شعرای فارسی زبان، به کوشش ژیلبر لازار، ج ۲، انستیتو ایران و فرانسه، تهران ۱۳۴۱/۱۹۶۲.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۳.
- تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، تهران ۱۳۷۱.
- تحقیقات ادبی، کیوان سمیعی، کتابفروشی زوار، تهران ۱۳۶۱.
- تفسیر ابوالفتح رازی، باتصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی، انتشارات اسلامی، تهران ۱۳۵۳.
- الحضارة الاسلامية في القرن الرابع الهجري، آدم متز، نقله الى العربية محمد عبدالهادی ابوریده، قاهره، ۱۳۷۷/۱۹۵۷.

- دیوان الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، بشرح یوسف فرحات، دارالکتاب العربی، *Archive of SID*
بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱.

- دیوان دقیقی طوسی، به اهتمام محمد جواد شریعت، انتشارات اساطیر، تهران
۱۳۶۸.

- رودکی، آثار منظوم، با ترجمه روسی زیر نظری. براگینسکی، مسکو ۱۹۶۴.

- سخن و سخنوران، بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۵۸.

- سفینه البحار، محدث قمی، دارالمرتضی، بیروت [بی تا].

- شاعران هم عصر رودکی، احمد اداره چی گیلانی، بنیاد موقوفات دکتر افشار،
تهران ۱۳۷۰.

- شرح غرر الحکم و درر الکلم، جمال الدین محمدخوانساری، به تصحیح:

میرجلال الدین حسینی محدث ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۶۶.

- شعر بی دروغ شعر بی نقاب، عبدالحسین زرین کوب، انتشارات جاویدان، تهران
۱۳۵۶.

- العقد الفرید، احمد بن محمد بن عبد ربّه الاندلسی، تحقیق علی شیری، داراحیاء

التراث العربی، بیروت ۱۴۰۹ / ۱۹۸۹.

- فنون بلاغت و صناعات ادبی، جلال الدین همایی، مؤسسه نشرهما، تهران ۱۳۷۱.

- کسای مروز، زندگی اندیشه و شعر او، محمد امین ریاحی، انتشارات توس،

تهران ۱۳۶۷.

- نهج البلاغه، امیر المؤمنین علی علیه السلام، گرد آوری شریف رضی، تحقیق و تعلیقات

از صبحی صالح و فارس تبریزیان، دار الهجرة للطباعة والنشر، قم ۱۴۱۹.

- هنجار گفتار، سید نصرالله تقوی، انتشارات فرهنگ سرای اصفهان، اصفهان

۱۳۶۳.